

دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به آمار پیمایش ملی:

۷۷ درصد زوجین

تمایلی به فرزندآوری ندارند



دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به آمار پیمایش ملی «تمایلات ایرانیان به فرزندآوری» گفت: ۷۷ درصد زوجین تمایلی به فرزندآوری ندارند و دلیل خود را نگرانی از آینده فرزند عنوان کرده‌اند. به گزارش دیدبان ایران، مرصیه وحید دستجردی در پیروزی روز ملی جمعیت در دانشگاه علوم پزشکی تهران، نداشتن درآمد کافی، مشکل مسکن، فشارهای اقتصادی و احساس ناامنی اقتصادی را بیشترین دلایل مخالفت با فرزندآوری عنوان کرد و افزود: این آمارها راه را به مسئولان نشان می‌دهد.

کاهش جمعیت: چالش امنیت ملی

دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به چالش امنیت ملی با کاهش جمعیت اظهار داشت: وقتی جمعیت کشور ۳۰ میلیون نفر شود و در کنارش کشوری ۴۸۰ میلیون نفری یا کشوری ۷۰ میلیون نفر باشد و همسایه‌اش ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد، توان قدرت در هم خواهد خورد و خود به خود این کشور محو خواهند شد.

■ ■ ■

پلیس فتا:

اغلب سایب‌های همسرایی کلاهبرداری است



رئیس پلیس فتا با بیان اینکه اغلب سایب‌های همسرایی و صیغه‌یابی فاقد هر گونه مجوز قانونی هستند، گفت: بسیاری از آن‌ها صرفاً با هدف فریب کاربران و ارتکاب کلاهبرداری طراحی شده‌اند. تسنیم: سردار وحید مجیدی، رئیس پلیس فتا با تأکید بر تداوم برخورد این پلیس با جرایم سازمان یافته در فضای مجازی اظهار کرد: پلیس فتا به صورت جدی با سایب‌های غیر قانونی صیغه‌یابی، همسرایی و همچنین کاتل‌هایی که اقدام به فروش اقلام غیر اخلاقی می‌کنند، برخورد می‌کند. وی با بیان اینکه اغلب این سایب‌ها فاقد هر گونه مجوز قانونی هستند، افزود: کاربران در این فضاها فریب وعده‌های دروغین را می‌خورند و بعضاً متحمل خسارات مالی و حیثیتی می‌شوند. رئیس پلیس فتا تصریح کرد: یکی از مشکلات اصلی در مقابله با این نوع کلاهبرداری‌ها، عدم تمایل قربانیان به طرح شکایت است، چرا که آن‌ها نگران مسائل آبرویی هستند و همین موضوع باعث می‌شود که برخی پرونده‌ها به مراجع رسمی ارجاع نشود.

■ ■ ■

معاون وزارت بهداشت:

روند جذب اساتید در دانشگاه‌ها اصلاح شد



معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از اصلاح روند جذب اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها خبر داد و گفت: به نظر می‌رسد بتوانیم روند مهاجرت را طی سال‌های آتی متوقف کنیم و به زودی شاهد مهاجرت معکوس اساتید و نخبگان به کشور خواهیم بود. ایسنا: حسین حسینی، ضمن بیان این مطلب به مهم‌ترین اقدامات وزارت بهداشت برای جلوگیری از خروج اعضای هیات علمی از دانشگاه‌های علوم پزشکی اشاره و تأکید کرد: «دینا داریم فضای فعالیت این افراد در دانشگاه‌ها مناسب کنیم. ضمن اینکه روند جذب اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها نیز اصلاح شده است. معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خاطر نشان کرد: در بحث انگیزش‌شی به همه و وسوا معاونین آموزشی دانشگاه‌ها توصیه کردیم تا جلسات مرتبی با اعضای هیات علمی برگزار کنند. از سوی دیگر فضای دانشگاه‌ها کشور در حال تغییر بوده و به سمت بهتر شدن پیش می‌رود. امیدواریم با انجام این اقدامات، روند خروج و با مهاجرت اساتید از کشور نیز کاهش یابد.

■ ■ ■

شورای شهر گیلانغرب متحل شد



فرماندار گیلانغرب گفت: انحلال شورای شهر گیلانغرب قطعی است و به اعضای شورا ابلاغ شده است. فرماندار گیلانغرب روز گذشته توضیح داد که از حدود یکسال قبل تاکنون مجموعه شورای شهر گیلانغرب باهم اختلاف دارند و وجود اختلافات باعث شده بود تا برای انتخاب شهردار، جلسات شورا تشکیل نشود. صادق خدادادی اظهار کرد: «با توجه به انباشت مشکلات روی هم به منظور جلوگیری از تسبیح حقوق مردم در نهایت رای انحلال شورا صادر شد. فرماندار گیلانغرب در ادامه گفت: انحلال شورای شهر گیلانغرب قطعی است و به اعضای شورا ابلاغ شده است.

■ ■ ■

مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران خبر داد:

فعالیت ۲۰ هزار دستفروش در تهران



مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران گفت: حدود ۲۰ هزار دستفروش وجود دارد که ۳ هزار نفر از آن‌ها در متروی تهران فعالیت می‌کنند. برای ساماندهی دستفروشان مترو، با همکاری یگان حفاظت شهرداری و شرکت پهر بر درای مترو، اقداماتی در دستور کار قرار دارد و در تلاشیم به این افراد کمک کنیم تا به سمت مشاغل مولد هدایت شوند. مجتبی اوقایی‌پناه با اشاره به ساماندهی ون کافه‌ها خاطر نشان کرد: نزدیک به ۳۵۰۰ ون کافه و وانت بار در تهران فعال اند و تمام تلاش ما این است که کسب و کار آن‌ها دچار مشکل نشود و با بسترهای قانونی بهره‌مند شوند. وی ادامه داد: برای ما، موضوع ون کافه‌ها حائز اهمیت است. اما اولویت ما، رعایت الزامات قانونی است؛ در صورت نداشتن مجوز، ناچار به برخورد قانونی خواهیم بود. در حال حاضر، از میان ۴۰۰ ون کافه فعال، تنها ۱۵ مورد دارای مجوزند. البته ما به دنبال آن هستیم که این افراد مجوز فعالیت خود را دریافت کنند.

یک استاد دانشگاه با تأکید بر بازنگری نحوه اجرای سیاست‌های جوانی جمعیت گفت: سیاست‌ها باید معطوف به سیاست‌های خانواده‌محور باشند، نه کودک محور. تا به حال، کیفیت الگوی سیاست‌گذاری ما و گفت‌وگو میان حاکم بر سیاست‌های جمعیتی یک نظام حکمرانی کودک‌محور بوده است. ما بچه را به عنوان یک عدد نگاه می‌کنیم و فقط به دنبال افزایش این عدد بودیم که موفق نشدیم و این نشان می‌دهد که ایرادی در کار وجود دارد.

به گزارش گروه شهرنوش «توسعه ایرانی» در سال‌های اخیر، موضوع جمعیت و سیاست‌های مرتبط با آن به یکی از دغدغه‌های اصلی کشور تبدیل شده است. براساس آمار مرکز آمار ایران، روند ولادت‌ها نشان دهنده کاهش تدریجی نرخ باروری در کشور است. این کاهش، نه تنها به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دامن می‌زند، بلکه برای آینده جمعیت و ساختار سنی آن نیز آسیب‌زا است.

سیاست‌های جوانی جمعیت که به منظور افزایش نرخ باروری و تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری طراحی شده‌اند، در عمل با موانع متعددی مواجهند. این موانع شامل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص جامعه ایران است که به‌طور مستقیم بر تصمیم‌گیری خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. کارشناسان معتقدند که با توجه به این شرایط، ضروری است که سیاست‌گذاران و مسئولان به بازنگری در این سیاست‌ها پرداخته و راهکارهایی مؤثر و متناسب با واقعیت‌های موجود جامعه ارائه دهند و جامعه هدف این سیاست‌ها را به درستی مشخص کنند.

تمرکز به جای کودک‌محوری باید بر شرایط خانواده‌ها باشد

حاتم حسینی، استاد دانشگاه بوعلی سینای همدان در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»، درباره



حاتم حسینی در گفت و گو با «توسعه ایرانی»: باید از سیاست‌های معطوف به تشویق به سمت سیاست‌های انگیزمحور حرکت کنیم. ما نمی‌توانیم در خلأ سیاست‌گذاری کنیم. شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران هیچ مناسبت و نسبت درستی با این قانون، تعالی خانواده و جوانی جمعیت و اقدام‌هایی که در چارچوب آن صورت می‌گیرد، ندارد

گزارش

یک استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» و در تشریح دلایل ناکامی قانون جوانی جمعیت:

کم‌فرزندآوری ناشی از یک مقاومت اجتماعی پنهان است



اصرار کند که ما همین‌طور پیش می‌رویم و ببینیم چه می‌شود.

بچه را به عنوان یک عدد نگاه می‌کنیم

حسینی تصریح کرد: یعنی سیاست‌ها باید معطوف به سیاست‌های خانواده‌محور باشد، نه کودک‌محور. تا به حال، کیفیت الگوی سیاست‌گذاری ما و گفت‌وگو میان حاکم بر سیاست‌های جمعیتی یک نظام حکمرانی کودک محور بوده است. ما بچه را به عنوان یک عدد نگاه می‌کنیم و فقط به دنبال افزایش این عدد بودیم که موفق نشدیم و این نشان می‌دهد که ایرادی در کار وجود دارد.

وی ادامه داد: ایراد این است که نقش عاملیت زنان در سیاست‌گذاری دیده نشده و توجهی به آن نشده است. همچنین، سیاست‌گذاری دولتی است و مشارکتی نیست. اکنون در بازنگری آن باید به این دو مقوله بپردازیم. نکته مهمی که قابل توجه است و باید به آن پرداخته شود، ناکامی در دستیابی به اهداف قانون تعالی خانواده و جوانی

جمعیت است که نشان‌دهنده سیاست‌های شکست خورده است. دلیل این ناکامی، تضاد منافع است که در جامعه شکل گرفته و باعث ایجاد یک مقاومت اجتماعی پنهان شده است. این استاد دانشگاه گفت: تضاد بین منافع فردی در سطح فرد و خانوار و مصالح اجتماعی، یعنی آن چیزی است که سیاست‌گذار می‌خواهد. به بیان دیگر، گفت‌وگوی میان دولت و ملت بی‌پاسخ مانده و رشد منفی مولید و ناکامی در دستیابی به اهداف برنامه نشان می‌دهد که مردم به آنچه دولت می‌خواهد پاسخ نمی‌دهند. هیچ دلیلی وجود ندارد که دولت

باید معطوف به سیاست‌های خانواده‌محور باشد، نه کودک‌محور. تا به حال، کیفیت الگوی سیاست‌گذاری ما و گفت‌وگو میان حاکم بر سیاست‌های جمعیتی یک نظام حکمرانی کودک‌محور بوده است. ما بچه را به عنوان یک عدد نگاه می‌کنیم و فقط به دنبال افزایش این عدد بودیم که موفق نشدیم و این نشان می‌دهد که ایرادی در کار وجود دارد

یک استاد دانشگاه: از دلایل عمده و اصلی مشکل کم‌فرزندآوری، افزایش میانگین سن ازدواج، عدم تمایل به ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده با طلاق است. در واقع جمعیت هدف آن حجم انبوهی است که از دواج کرده و باز دواج نمی‌کند. با ازدواج کرده ولی بچه‌دار نشده‌اند. بنابراین، سیاست‌ها باید معطوف به این موارد باشد و این‌ها هستند که روی روندهای آینده باروری اثر می‌گذارند

هدف تعیین شده در قانون یعنی TFR نزدیک کرده است؟ نه، وقتی نشده یعنی موفق نبودید. این ناشی از این است که جمعیت هدف به درستی تشخیص داده نشده است.

این استاد دانشگاه گفت: از دلایل عمده و اصلی مشکل کم‌فرزندآوری، افزایش میانگین سن ازدواج، عدم تمایل به ازدواج، فروپاشی نهاد خانواده با طلاق است. در واقع جمعیت هدف آن حجم انبوهی است که از دواج نکرده و باز دواج کرده ولی بچه‌دار نشده‌اند. بنابراین، سیاست‌ها باید معطوف به این موارد باشند. یعنی این‌ها هستند که روی روندهای آینده باروری اثر می‌گذارند. فردی که سه تا بچه دارد حالا بچه چهارم به دنیا آمده است، تأثیرش روی باروری محسوس و مشخص است که به هر حال تأثیرگذار بوده، ولی

در مجموع وقتی نگاه می‌کنیم، هیچ کدام از این‌ها کافی نبوده است.

در خلأ سیاست‌گذار شده، نه بر اساس شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه

حسینی تصریح کرد: من بر این باورم و همیشه هم گفته‌ام، سیاست‌های دولت باید روی جوان‌ها متمرکز شود. این کار باعث می‌شود که ما این بیست سال باقیمانده از فرصت پنجره جمعیتی را از دست ندهیم و بتوانیم بهره‌ناچیزی هم که شده از آن ببریم. همچنین باید از سیاست‌های انگیزمحور به تشویق به سمت سیاست‌های انگیزمحور حرکت کنیم. شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران هیچ مناسبت و نسبت درستی با این قانون، تعالی خانواده و جوانی جمعیت و اقدام‌هایی که در چارچوب آن صورت می‌گیرد، ندارد. بنابراین، ما نمی‌توانیم در خلأ سیاست‌گذاری کنیم.

وی ادامه داد: شرایط به گونه‌ای است که ظاهراً سیاست‌ها ما اصلاً برای یک جامعه دیگر است، چون اگر برای جامعه ما بود، متناسب با شرایط گوناگون جامعه ایرانی بود. باید ما شاهد یک افزایش حتی نامحسوس در حد یک دهم بچه هم می‌بودیم. یعنی TFR ما از یک و شش به یک و هشت می‌رسید. اما ما این را هم نداریم و تازه کم هم شده است. این نشان می‌دهد که کل این برنامه در حال از بین رفتن است و باید در آن تجدیدنظر صورت گیرد. در واقع آنچه باید در قانون سیاست‌ها قرار بگیرد، جمعیت جوان جامعه ایران است.

بیشتر. در حالی که پلیس موظف است از مشاهدات خودش بنویسد: خانه به هم ریخته بود، زن آشفته بود، آثار زخم روی بدنش مشهود بود، مثلاً چاقو یا کمر بند به عنوان ابزار خشونت در صحنه دیده شده، و همه این‌ها را به دقت ثبت کند. اما چنین گزارشی عملاً تهیه نمی‌شود.

شیما قوشه به پیامد خطرناک این وضعیت اشاره می‌کند: «زنانی که یک‌بار وارد این روند می‌شوند، در فرایندی فرسایشی بین دادگاه، کلانتری، پزشکی قانونی، مشاور و... پاس‌کاری می‌شوند. اغلب خسته می‌شوند و عطای شکایت را به لقایش می‌بخشند. اینجاست که خشونت گرتوجه می‌شود بدون هیچ هزینه‌ای می‌تواند خشونت را تکرار کند. مرد با خیال راحت می‌داند که اثبات خشونت، تقریباً ناممکن است.»

قتل‌های زنانه؛ شکایت‌های نافرجام، انتقام‌های مرگ‌بار

وی در پاسخ به این سوال که چند درصد از زنانی که در قتل‌های خانوادگی جان می‌یازند، پیش از آن شکایتی ثبت کرده‌اند؟ می‌گوید: «واقعاً نمی‌توانم آمار دقیقی بدهم، اما نکته مهم این است که بسیاری از زنان اصلاً شکایت نمی‌کنند. چون می‌ترسند وضعیت بدتر شود. چون می‌دانند که در نهایت باید به همان خانه، با همان پدر، برادر یا همسر خشونت‌گر برگردند. هیچ نهاد حمایتی بر رفتار مرد بعد از شکایت نظارت نمی‌کند. برای همین، زن می‌گوید: شکایت نکنم بهتر است.»

شیما قوشه در ادامه هشدار می‌دهد: «از آن سو، این ناامیدی از سیستم شکایت باعث می‌شود برخی زنان برای رهایی از خشونت، راهی به مراتب خطرناک‌تر برگزینند: قتل شوهر. در بسیاری از پرونده‌های شوهرکشی که بررسی کردیم، زن سال‌ها قربانی خشونت بوده، اما چون نتوانسته خشونت را اثبات کند و قوانین طلاق هم به قدری سخت‌گیرانه‌اند که دادگاه به راحتی حکم طلاق نمی‌دهد، تصمیم گرفته خودش دست به حذف فیزیکی مرد بزند. یعنی نبود قانون حمایتی هم به زن‌کشی منجر شده، هم به شوهرکشی. همه قربانی‌اند؛ فقط شکل قربانی‌بودن‌شان فرق دارد.»

قانون‌گذار مردانه می‌بیند؛ زنان می‌میرند

قوشه در پایان می‌گوید: «قانون‌گذار در ایران اغلب مردانست؛ یا از نظر جنسیتی، یا از نظر نظر نگرش. اما برای حفظ جان خودش هم که شده، باید به این فکر کند که قانون منع خشونت خانگی را به شکل کامل و حمایتی تصویب کند. چون شاید روزی، در خانواده خودش، زنی قربانی شود یا حتی مردی که خشونت مکرر کرده است به سرزنشش به شوهرکشی برسد و دیگر آن زمان برای پشیمانی دیر است.»

بوروکراسی قضایی که زنان خشونت‌دیده را مقتول با قاتل می‌کند

زنان در پیچ و خم دادگاه فرسوده می‌شوند، مرد‌ها جسورتر



او به مشکل دیگری اشاره می‌کند: «در بسیاری از پرونده‌ها، تحقیقات محلی، مانند پرس‌وجو از همسایگان، انجام نمی‌شود. همسایه‌ها هم اغلب به دلایل فرهنگی و ترس از درگیری یا تلافی، حاضر به شهادت دادن نیستند. این هم از پیامدهای ساختاری جامعه‌ای است که دخالت در امور خانوادگی را ناپسند می‌داند.»

قوشه به بند مهمی از ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره می‌کند: بندی که اگر در دست اجرا می‌شود، می‌توانست بسیاری از زنان را از خشونت نجات دهد: «در این ماده آمده که اگر ساکن یا مالک یک محل، حضور نیروی انتظامی را برای مداخله بخواهد، آن جرم در حکم «جرم مشهود» است. یعنی وقتی یک زن زنگ می‌زند و می‌گوید دارد مورد ضرب و جرح یا تهدید قرار می‌گیرد، پلیس مکلف است بدون حکم قضایی وارد خانه شود، مداخله کند. فرد خشونت‌ور را دستگیر کرده و او را به جرم اصرار در محل جلسه کند.»

اما در عمل چه می‌شود؟ قوشه می‌گوید: «پلیس معمولاً یا اصلاً نمی‌آید، یا اگر بیاید فقط جلوی در می‌ایستند و می‌گویند حکم نداریم. این رفتار، برخلاف قانون است. حتی اگر گزارش می‌دهم تهیه شود، معمولاً صرفاً به جملاتی بسنده می‌شود که «خانم فتالی تماس گرفته و ادعا کرده مورد خشونت قرار گرفته»، نه

نمی‌شود... از جمله ترس، نبود امنیت جانی یا حتی تعلقات خانوادگی.»

او در ادامه اضافه می‌کند: «اگرچه در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی‌هایی شده که اگر شاهد بترسد، می‌توان برایش مکانیزم‌های تأمین جانی تعریف کرد، اما در عمل، این موضوع کمتر اجرا می‌شود. دلایلش هم روشن است: وقتی مرد خشونت‌ور زنی می‌داند که فقط دو یا سه نفر در خانه بوده‌اند، اگر کسی شهادت دهد، خودش می‌فهمد چه کسی بوده و همین باعث ترس بیشتر شاهد می‌شود. در نتیجه، این ابزار قانونی هم کارآمدی لازم ندارد.»

قوشه به مانعی دیگر اشاره می‌کند که معمولاً نادیده گرفته می‌شود: «خیلی وقت‌ها زن‌ها به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند و گزارش هم می‌گیرند؛ مثلاً آثار کبودی، شکستگی، یا جراحت‌های دیگر روی بدن‌شان ثبت می‌شود. اما سؤال مهم‌تر این است: چه کسی این آسیب‌ها را به این زن وارد کرده؟ در این مرحله است که مرد متهم به راحتی می‌گوید: «خودش خودش را زده»، «فتاده»، «صادف کرده». در واقع زن باید ثابت کند که این خشونت توسط همان فرد متهم انجام شده، و این را اثباتی بسیار سنگینی است که در بسیاری موارد ممکن نیست.»